



اخلاق زمینه ساز ظهور در قلمرو خانواده

پدیدآورده (ها) : رامین، فرح

ادیان، مذاهب و عرفان :: مشرق موعود :: پاییز 1393 - شماره 31 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 155 تا 185

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1235087>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره

تاریخ دانلود : 30/02/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۳

اخلاق زمینه ساز ظهور در قلمرو خانواده

فرح رامین*

چکیده

اخلاق زمینه ساز به عنوان بخشی از اخلاق اسلامی، فضایل و رفتارهای اخلاقی برگرفته از آموزه انتظار را - که شرایط فردی و اجتماعی را برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه فراهم می آورد - بررسی می کند. در اخلاق زمینه ساز، غایت فعل اخلاقی، رسیدن به سعادت حقیقی، یعنی محقق شدن ظهور است. اخلاق در قلمرو خانواده، در طول تاریخ، مورد توجه جدی پیشوایان معصوم و علمای اخلاق قرار گرفته و بخشی از حکمت عملی (تدبیر منزل) است که امروزه به عنوان حوزه ای از اخلاق کاربردی در نظر گرفته می شود و عرصه های مختلف اخلاق کاربردی چون اخلاق ازدواج، اخلاق همسری، اخلاق جنسی، اخلاق مدیریت، اخلاق مادری و اخلاق تربیت را دربر می گیرد.

در این نوشتار، پس از بررسی مبادی تصویری و شناخت مفاهیم خانواده، اخلاق و دین، با ارائه تعریفی جامع از اخلاق زمینه ساز، کوشیده ایم فضایل و رفتارهای اخلاقی برگرفته از آموزه انتظار را در حوزه های هفت گانه اخلاق در خانواده (خانواده هسته ای) مورد توجه قرار دهیم. در این راستا، اوصاف و افعال اخلاقی ورع، اجتهاد، عفت و سداد را - که برگرفته از روایت شریف: «اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد» است - منشور اخلاقی اخلاق زمینه ساز دانسته و مهم ترین جلوه ها و آثار آن ها را در روابط بین همسران و والدین با فرزندان واکاوی کرده ایم؛ شاید بدین وسیله طرحی نو در انداخته و گامی - هرچند اندک - برای ترویج اخلاق مهدوی برداشته باشیم.

واژگان کلیدی

خانواده، اخلاق زمینه ساز، ورع، اجتهاد، عفت، سداد.

* دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (f.ramin@qom.ac.ir)

مقدمه

نهاد خانواده نخستین نهاد تربیتی است که رفتار آدمی را شکل می‌دهد. بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری انسان‌ها در خانواده ریشه دارد و در عین حال بسیاری از پیشرفت‌های بشر نیز از خانواده نشئت می‌گیرد. در طول دو دهه گذشته، رشته‌های مربوط به درمان مشکلات خانواده، توجه خود را از نقص‌ها و کمبودهای خانواده به توان‌مندی‌های آن معطوف داشته‌اند (Walsh, 2002: vol.51, 2).

در میان توان‌مندی‌های خانواده، نقش شکل‌گیری و معناداری نظام‌های باور در بین اعضای خانواده در حل معضلات پیش روی خانواده و جامعه بسیار پراهمیت است. در قلمرو دین اسلام، باور به ظهور منجی موعود، می‌تواند چشم‌اندازی امیدوارکننده و مثبت را در خانواده ایجاد کند، ارزش‌های معنوی و متعالی را پرورش دهد و خانواده را از آفت‌ها و بحران‌های عصر غیبت حفظ نماید. از جمله کارکردهای آموزه انتظار، تقویت هنجارهای اخلاقی و آراستگی افراد خانواده به خوبی‌ها و پیراستن از ناهنجاری‌ها و بدی‌هاست که هدف رسالت نبوی به شمار می‌آید (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۸۲). اعضای خانواده منتظر با آراسته شدن به فضایی چون ورع، اجتهاد، عفت، سداد و... در تحقق ظهور نقشی عمده ایفا می‌کنند و از آن‌جا که شهرها از خانواده‌ها پدید می‌آیند (ارسطو، ۱۳۵۸: ۷)، با راسخ شدن این صفات نفسانی در بین افراد خانواده، جوامع نیز به اخلاق زمینه‌ساز مزین می‌شوند.

اخلاق زمینه‌ساز ظهور در خانواده به عنوان بخشی از اخلاق خانواده به منزله حوزه‌ای از اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی عبارت است از کاربرد و تطبیق استدلال‌ها، اصول، ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اخلاقی درباره رفتارهای اخلاقی، اعم از رفتارهای فردی و اجتماعی (Beker, 2001: vol.11, 80-84). یکی از رسالت‌های اخلاق کاربردی این است که راه تشخیص تکالیف اخلاقی و شیوه تحقق آن‌ها در حوزه‌های خاص را معین کند و به جای ارائه فهرستی بلند از فضایل و رذایل اخلاقی، شیوه استدلال اخلاقی در امور روزمره زندگی را بیاموزاند. در حوزه اخلاق خانواده، شاید افراد، بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی را به خوبی بشناسند و وظیفه اخلاقی خویش را تشخیص دهند، اما راه به‌جا آوردن وظایف اخلاقی و چگونگی اجرای احکام اخلاقی را به درستی درنیابند یا در شرایط خاص، تصمیم اخلاقی درستی نتوانند بگیرند. اخلاق کاربردی سعی دارد جلوه‌ها، نشانه‌ها و راهکارهای مناسب در این زمینه‌ها را به آنان ارائه دهد.

اخلاق خانواده به عنوان بخشی از اخلاق کاربردی، با مکاتب و نظریات متعدد اخلاقی چون

وظیفه‌گرایی، سودگرایی، اخلاق فضیلت‌مدار و اخلاق فمینیستی ارتباط مستقیم دارد که براساس پذیرش معیار هر نظریه خاص، تبیین نوع رفتار افراد خانواده با یکدیگر متفاوت خواهد بود و نیز اخلاق خانواده با علوم متعددی چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز تعامل دارد. مباحثی مثل جنسیت و ازدواج از اموری به شمار می‌روند که از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسان است. علم روان‌شناسی نیز با تمییز تفاوت‌های روانی، احساسات و عواطف بین زن و مرد و تفکیک رفتارهای زنانه از مردانه با اخلاق خانواده ارتباط می‌یابد.

در نظام اخلاقی اسلام، اخلاق به عنوان بخشی از دین قلمداد می‌شود و آموزه‌های دین، از جمله آموزه انتظار در جهت‌دهی و تبیین دنیوی - اخروی قواعد اخلاقی و تأمین بُعد انگیزشی قواعد و آموزه‌های اخلاقی از رهگذر گوشزد کردن ضمانت اجرایی - الهی احکام اخلاقی و توصیه‌هایی برای برون‌رفت از بن‌بست‌ها و معماهای اخلاقی در خانواده، تأثیری بسزا دارد. زن و مرد در یک خانواده زمینه‌ساز، برای عمل به وظیفه خود در تربیت زمینه‌ساز، باید از همان ابتدا که تصمیم به تشکیل خانواده می‌گیرند در انتخاب همسر دقت کنند که عشق و محبت به امام در او نهادینه شده باشد، آن‌گاه با همکاری یکدیگر، پایه‌های تحقق ظهور را در خانواده استحکام بخشند.

در این پژوهش، ابتدا به بررسی مبادی تصویری اخلاق زمینه‌ساز در خانواده می‌پردازیم و پس از معین کردن نوع رابطه دین با اخلاق، تفکیک فعل اخلاقی از فعل طبیعی و چیستی غایت فعل اخلاقی از منظر اسلام، می‌کوشیم اخلاق در خانواده زمینه‌ساز را در دو قلمرو روابط بین همسران و روابط والدین با فرزندان واکاوی نماییم.

۱. مفهوم‌شناسی

الف) خانواده

خانواده به عنوان طبیعی‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی، از جهت مفهوم عرفی امری واضح و قابل فهم است. اما تعریف اصطلاحی خانواده به جهت تحول آن در طول تاریخ و خالی بودن قرآن کریم و سنت شریف از آن با دشواری همراه است (مقدادی، ۱۳۸۵: ۶). حقیقت این است که خانواده امری عرفی و تابع معیارهای عرف است و مصطلح شرعی یا متشرعه نیست؛ البته از آیات متعدد و روایات بسیار چنین برمی‌آید که از منظر اسلام، وجود زن و شوهری که میان آنان پیوند زناشویی برقرار شده، سرآغاز و رکن اساسی تشکیل خانواده است. در قرآن کریم واژه‌ای معادل «الأسرة» یا «خانواده» وجود ندارد؛ اما واژه «اهل» که همان بار

- معنایی را دارد، تکرار شده که تا حدودی مرز یک خانواده را مشخص می‌کند:
۱. بر مرد و زنی که بدون عقد شرعی و قانونی با یکدیگر زندگی می‌کنند، خانواده اطلاق نمی‌شود: «إِنَّا مُتَّجِرُونَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَأَتَكَ» (عنکبوت: ۳۳). شاهد مدعا این است که در زبان عربی، «إمرء» به زنی اطلاق می‌شود که شرعاً به عقد مردی درآید.
 ۲. فرزندان در شمار افراد خانواده هستند: «فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي» (هود: ۴۵).
 ۳. برادران جزء خانواده محسوب می‌شوند: «وَأَجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي» (طه: ۲۹ - ۳۰).

بنابراین خانواده را می‌توان به دو شکل در نظر گرفت: گسترده و هسته‌ای. خانواده گسترده مجموع اشخاصی هستند که به سبب قرابت به هم وابسته‌اند (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۰۷) یا گروهی که به واسطه قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۴). در خانواده هسته‌ای، شبکه خویشاوندی دامنه‌ای وسیع ندارد و متشکل از پدر، مادر یا یکی از آن دو و فرزندان است که معمولاً منظور، فرزندان ازدواج نکرده هستند.

مراد از خانواده در این نوشتار، خانواده‌های تک‌والدی، بدون فرزند و زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی نیست و اگرچه می‌توان از منظر دینی، خانواده را هسته‌ای یا گسترده در نظر گرفت، به منظور محدود کردن دایره تحقیق، خانواده هسته‌ای را مدنظر داریم؛ یعنی خانواده‌ای متشکل از زن، شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنان که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند (صفایی و امامی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲).

ب) اخلاق زمینه‌ساز

برای رسیدن به مفهوم جامعی از اخلاق زمینه‌ساز، ابتدا باید اخلاق و دین را تعریف کرده و رابطه دین و اخلاق را بررسی نماییم تا بتوانیم به نوعی خاص از این رابطه، یعنی «بررسی تأثیر آموزه انتظار بر اخلاق» بپردازیم:

یکم. اخلاق

اخلاق جمع خُلق به معنای خوی، سجیه و طبع است که بر سرشت درونی دلالت می‌کند (صلیبا، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۳۹). اخلاق در اصطلاح به معنای حالت و هیئت راسخ نفس است که به سبب آن، افعال به سهولت و آسانی و بدون نیاز به اندیشه و تأمل از نفس صادر می‌شود (غزالی، ۱۴۱۲: ج ۳، ۸۳). این حالت راسخ، همان ملکه نفسانی است که ممکن است در فرد به

شکل طبیعی یا به دلیل عادت و تمرین به وجود آید و در اثر تکرار در او پایدار گردد (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۵۴). بنابراین حالات غیر راسخ نفس را خُلق نمی‌گویند (صلیبا، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۴۰). اگر افعالی که از این هیئت ثابت نفسانی صادر می‌شود شرعاً و عقلاً پسندیده باشند، این هیئت را خلق نیکو و اگر زشت و ناپسند باشند، خُلق بد می‌گویند (شبر، ۱۳۸۷: ۳۱).

در مباحث اخلاقی و در راستای اهداف این پژوهش، ذکر سه نکته خالی از فایده نیست:

۱. اخلاق و مسائل اخلاقی از امور اعتباری اند که ریشه تکوینی دارند؛ بدین معنا که گرچه اوصاف و احکام اخلاقی در خارج مابۀ ازای عینی ندارند، اما دارای منشأ انتزاع هستند. از این رو اخلاق با سنن و آداب و رسوم - که تابع قرارداد محض هستند - متفاوت است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۹).

۲. معیار تشخیص فعل اخلاقی از فعل طبیعی و عادی مثل خوردن، خوابیدن، راه رفتن و... این است که فعل اخلاقی قابل ستایش و نکوهش است. یا به بیان دیگر، این افعال از صفاتی نشئت می‌گیرند که قابل ستایش و نکوهش هستند و انسان از هر مکتب و اندیشه‌ای که باشد برای این گونه افعال ارزش قائل است (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۳).

۳. عناصر ارزشمندی عمل اخلاقی، آزادی و اختیار فاعل، انگیزه و نیت او و حُسن فعلی آن است. منظور از حسن فعلی این است که فعل، صرف نظر از نیت فاعل، فی نفسه نیک و شایسته باشد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۱: ۴۰ - ۵۰).

دوم. دین

مفاهیم نظری - به ویژه مفاهیمی که با انسان ارتباط دارند - همواره در معرض آرا قرار می‌گیرند و مفهوم «دین» نیز از این وضعیت مستثنا نیست و تاکنون توافقی بر تعریف آن حاصل نشده است. گوناگونی تعاریف دین به قدری گسترش دارند که حتی ارائه فهرستی ناقص از آن میسر نیست (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۴۷). در این نوشتار، مراد از دین، آن چه قرآن به سوی آن دعوت کرده، سنت نبوی و روایات امام معصوم علیه السلام است.

سوم. رابطه اخلاق با دین

درباره نسبت بین دین و اخلاق، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است که عبارت‌اند از: اتحاد دین و اخلاق و استقلال دین و اخلاق با وجود امکان ارتباط میان آن دو. کسانی که به اتحاد دین و اخلاق قائل‌اند، یا یگانگی و عینیت دین و اخلاق یا استنتاج دین از اخلاق و یا استنتاج اخلاق از دین را مطرح می‌کنند و دیدگاهی که استقلال دین و اخلاق را مطرح می‌کند، یا به تعارض جزئی بین دین و اخلاق قائل‌اند، یا دین و اخلاق را دو ماهیت

کاملاً ناسازگار و مستقل می‌دانند و یا دین و اخلاق را دو ماهیت مستقل و کاملاً سازگار می‌دانند (بارتلی، ۱۳۷۸: ۳۰ - ۳۷).

در این نوشتار، هم‌گام با بسیاری از متفکران اسلامی، اخلاق را جزء جدایی‌ناپذیر دین و بخشی از ساحت‌های سه‌گانه دین (عقاید، احکام، اخلاق) می‌شماریم. اما این مسئله به معنای استقلال و بی‌نیازی این سه بخش از یکدیگر نیست؛ بلکه اخلاق در مقام ثبوت و ارزش واقعی و در مقام اثبات و تحقق و در مقام ضمانت اجرا محتاج به دین است؛ بدین معنا که هرچند هریک از بخش‌های دین از جمله اخلاق، جزئی از مجموعه کلی دین را تشکیل می‌دهند، اما این‌گونه نیست که این اجزا کاملاً از یکدیگر بیگانه باشند و با هم هیچ ارتباطی نداشته باشند؛ بلکه نظام دینی یک نظام در هم تنیده است که همه بخش‌های آن با یکدیگر مرتبط و بر یکدیگر استوارند (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱۹۷ - ۱۹۹).

چهارم. اخلاق اسلامی و اخلاق زمینه‌ساز

با توجه به آن‌چه گفته شد، اخلاق اسلامی، اخلاق منسوب به دین اسلام است؛ یعنی مجموعه صفات و الزام‌های اخلاقی برگرفته از دین اسلام که راه و رسم زندگی کردن را به گونه‌ای شایسته ترسیم می‌کند و بایدها و نبایدهای ارزشی حاکم بر رفتار آدمی را می‌نمایاند. از آن‌جا که «اخلاق زمینه‌ساز» بخشی از اخلاق اسلامی است، مراد از اخلاق زمینه‌ساز، صفات و الزامات اخلاقی خاصی است که برگرفته از آموزه انتظار، و زمینه‌ساز ظهور ولی عصر^{علیه السلام} است. به دیگر سخن، اوصاف و افعال اخلاقی است که مقدماتی ایجاد می‌کند تا شرایط فردی و اجتماعی برای تحمل ولایت معصوم و ظهور امام^{علیه السلام} فراهم آید. این زمینه‌سازی اهداف و انگیزه‌های یک فرد و در نتیجه روابط او با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در اخلاق زمینه‌ساز ظهور، غایت فعل اخلاقی عدالت اجتماعی و سیاست مدن نیست (دورانت، ۱۳۵۶: ۳۵)؛ آن‌گونه که افلاطون قائل است و فرد منتظر بهره‌مندی از لذات ممکن و دوری‌گزیدن از ناخوشی‌ها (لذات و آلام عقلانی و روحانی یا جسمانی) را مایه سعادت نمی‌داند؛ آن‌گونه که ارسطو ذکر می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۱۱۹)؛ بلکه انسان منتظر جز امام را نمی‌خواهد و عشق و محبت به امام عصر^{علیه السلام} است که او را به تلاش وامی‌دارد تا این رفعت و بی‌قراری را به دیگران نیز منتقل کند و برای اهداف بلندش نیروی انسانی تربیت نماید.

اصل، معیار و ضابطه اخلاقی بودن فعل در این نگرش اتصاف به حسن و قبح است؛ اما فعلی حسن است که بسترساز زمینه ظهور باشد و فعلی قبیح است که عامل تأخیر در ظهور

باشد. در این نگرش رسیدن به حاکمیت ولی عصر^{علیه السلام} و تحقق ظهور است که مایه سعادت حقیقی است و بر مبنای این معیار، انسان تکلیف اخلاقی خود را در عصر غیبت درمی یابد. در این صورت، ممکن است «فعل اخلاقی» نسبی باشد و ممکن است در شرایط و زمان‌های گوناگون تغییر کند؛ اما همین اصل و معیار و ضابطه ثابت و مطلق است. با این توضیح زمینه‌سازی و اخلاق زمینه‌ساز در عرصه‌های گوناگونی قابل طرح است که خانواده یکی از این حوزه‌ها به شمار می‌آید.

ج) اخلاق در حوزه خانواده

اخلاق در حوزه خانواده با حوزه‌های مختلف اخلاق کاربردی چون اخلاق خانواده، اخلاق ازدواج، اخلاق همسررداری، اخلاق جنسی، اخلاق مادری، اخلاق مدیریت و اخلاق تربیت ارتباطی تنگاتنگ دارد. برای آن که در دامان نزاع‌های لفظی گرفتار نیاییم، ارائه تعریفی روشن از این حوزه‌های اخلاقی ضرورت دارد:

اخلاق خانواده: در این قلمرو اخلاقی، زن و مرد در نقش پدر و مادر و رابطه آن‌ها با فرزندان و وظایف اخلاقی هریک نسبت به یکدیگر مدنظر است.

اخلاق ازدواج: مراد از اخلاق ازدواج، ارتباط اخلاقی زن و مرد در قالب نهاد ازدواج، به عنوان یک قرارداد یا تعهد، و حقوق اخلاقی متقابل هریک از آن‌هاست.

اخلاق همسررداری: مراد مهارتی است که زن و شوهر بر اساس آن، با شناخت توان مندی‌ها، تفاوت‌ها و حساسیت‌های یکدیگر به نیازهای جسمی، عاطفی، روانی و حتی جنسی طرف مقابل می‌توانند پاسخ دهند، به طوری که هر دو احساس رضایت خاطر و آرامش نسبی نمایند. با این تعریف از اخلاق همسررداری، اخلاق جنسی در قالب نهاد خانواده، بخشی از اخلاق همسررداری است (رامین، ۱۳۸۹: ۳۳۹). همچنین «اخلاق همسری»، اوصاف و رفتارهای اخلاقی مورد انتظار زن و شوهر در برابر یکدیگر را نیز دربر می‌گیرد.

اخلاق مادری: اخلاق مادری برترین شکل از اخلاق مراقبت است که رابطه مادر و فرزند را به تصویر می‌کشد. به همین سبب گاه اخلاق مراقبت را «اخلاق مادرانه» نیز نامیده‌اند. اخلاق مراقبت به معنای توجه به نیازهای دیگران، توجهی که به فردیت و شخصیت دیگران احترام می‌گذارد، نه این که با آن‌ها صرفاً طبق قوانین انتزاعی عدالت رفتار کند (O'Neill, 2001: vol.1,204).

اخلاق مدیریت: اخلاق مدیریت عبارت است از ملکات نفسانی انسان، از آن جهت که اداره امور جمعی از انسان‌ها را در نیل به اهداف معین عهده‌دار است (واثقی، ۱۳۷۶: ۲۴).

اخلاق تربیت: مراد از این حوزه اخلاقی برانگیختن، فراهم ساختن و به کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه است (بهشتی، ۱۳۸۱، ۱۸۰).

اخلاق تربیت یا تربیت اخلاقی فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفاسازی، تقویت، ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و اصلاح یا از بین بردن صفات، رفتارها و آداب غیراخلاقی در خود انسان یا دیگری است (همّت‌بناری، ۱۳۸۲: ۹).
در این پژوهش، اخلاق مدیریت، اخلاق مادری و اخلاق تربیت را عناوین فرعی و زیرمجموعه اخلاق خانواده و اخلاق ازدواج، اخلاق جنسی و اخلاق همسری را زیرمجموعه اخلاق همسرمداری قرار می‌دهیم و می‌کوشیم اوصاف و اخلاقی را - که زمینه‌ساز ظهور هستند - در هر یک از این حوزه‌های اخلاق کاربردی واکاوی کنیم.

۲. اخلاق همسرمداری

برای یافتن مصادیق اخلاق زمینه‌ساز در قلمرو روابط بین همسران، شناخت بحران‌هایی که این روابط را در عصر غیبت تهدید می‌کند ضروری است تا در سایه آن اوصاف و افعال اخلاقی مهمی که در جهت خروج از این بحران‌ها و ایجاد بستر مناسب برای تحقق ظهور است، بازشناسیم.

الف) اخلاق ازدواج

در اسلام برای تشکیل یک خانواده اخلاق مدار، الگوی ازدواج اسلامی ارائه شده است. کارکرد اخلاقی ازدواج، نتیجه پیوند ارادی دو جنس مخالف است که حسن معاشرت، وفاداری، صداقت، عفت، حیا و دیگر موارد ارزشی را در محیط خانواده به ارمغان می‌آورد. از ازدواج - که در قرآن کریم به عنوان «میثاق غلیظ» (نساء: ۲۱) مورد تأکید است - در انجیل نیز به «سر عظیم» تعبیر می‌شود که نمونه‌ای زمینی از یک حقیقت آسمانی است (رساله به افسیسیان: ۵: ۲۱-۲۳). اهتمام مسیحیت به مسئله ازدواج به حدی است که هرگونه عملی که منجر به گسستن این پیمان گردد، محکوم می‌شود و ازدواج به عنوان عقد انحلال‌ناپذیر شناخته شده و طلاق امکان‌پذیر نیست (متی: ۱۹: ۱۰).

در طول تاریخ بشر، مسئله ازدواج با معضلات عدیده‌ای به‌ویژه در بُعد اخلاقی روبه‌رو بوده

است. نمونه‌های آشکار الگوهای غیراخلاقی ازدواج را در عصر جاهلیت پیش از اسلام و در دوره جاهلی معاصر می‌توان یافت. نکاح مقت (به ارث بردن و ازدواج با نامادری پس از مرگ پدر)، شغار (نکاح فاقد مهر یا این که مهریه هر نکاح، نکاح دیگری است)، بَدَل (تعویض همسران)، حَدَن (ارتباط نامشروع و پنهانی با جنس مخالف)، استبضاع (واگذار کردن همسر خود به دیگری برای ایجاد صفات مطلوب خُلُق و خُلُق در فرزند) و رهط (ایجاد رابطه زناشویی چند مرد با یک زن) در دوره جاهلی، از منظر اسلام منفور، زشت و نادرست شده است. نمونه‌هایی منفورتر را در جاهلیت معاصر می‌توان یافت؛ مانند هم‌خانگی^۱ (زندگی کردن زن و مرد با رابطه جنسی بدون ازدواج)، زندگی اشتراکی^۲ (زندگی مختلط و مشترک بین چند زن و تعدادی مرد)، هم‌جنس‌بازی^۳ (احساسات جنسی نسبت به جنس موافق) و چندشوهری^۴ (زندگی یک زن با چند شوهر) از ناهنجاری‌های اخلاقی در عصر غیبت است که به این گونه موارد می‌توان مسائلی چون عشق و ازدواج‌های اینترنتی را نیز افزود که محرک‌های رو به تزاید جنسی گام به گام شرایط را بحرانی‌تر می‌کند. در این میان، آن چه این بحران‌ها را دامن می‌زند، نگرش‌های فمینیستی است که به بهانه «مردستیزی» به نفی حریم خانواده و تحریم ازدواج با مردان پرداخته و در افراطی‌ترین شکل، کانون خانواده را عمده‌ترین عامل بدبختی و تبعیض زنان معرفی می‌کنند (یورگ، ۱۳۷۸: ۴۴۱) و هم‌جنس‌گرایی و گرایش جنسی زنان به خود را تجویز می‌کنند (پاسنو، ۱۳۸۴: ۸۵). امروزه زنی که در گذشته «فاحشه» محسوب می‌شد، دختری که «از لحاظ جنسی فعال است» تلقی می‌شود (همو: ۶۰ - ۶۲). نتایج برگرفته از چنین دیدگاه‌هایی منجر به شیوع زنا، افزایش بی‌رویه بیماری‌های مقاربتی، سقط جنین و از بین رفتن ارزش‌های اخلاقی است. این نگرش‌ها، تمدن غربی را به سویی هدایت می‌کند که در آن هیچ ارزش مطلق وجود ندارد، هیچ اصول اخلاقی، جز سودگروی و لذت‌گروی مادی، ارزش پیدا نمی‌کند و اخلاق بر مدار استقلال و خودمختاری فردی معنا می‌یابد و فضایل اخلاقی چون پاک‌دامنی، سخاوت، حیا و... بقایای دوران اساطیر می‌شود.

برای خروج از این بحران و فراهم آوردن شرایط ظهور، ازدواج مهم‌ترین ابزار است. در چنین شرایطی انسانی که در انتظار ظهور به سر می‌برد در برابر این کج‌روی‌ها - که در برخی روایات تنها سبب طولانی شدن غیبت شمرده شده (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۷۸) - هرگز سکوت

1. cohabitation
2. communities
3. homosexuality
4. polyandry

نمی‌کند و با خود آگاهی و تهذیب نفس به ترویج فرهنگ ازدواج در سطح جامعه می‌پردازد. ازدواج توافق و قرارداد دوجانبه‌ای است که لوازم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی بی‌شماری دارد. ازدواج در اخلاق اسلامی فعلی اخلاقی است که مستحب مؤکد و در برخی شرایط واجب شمرده شده است (مشکینی، ۱۳۶۶: ۱۰) و مورد طلب و درخواست الهی است (نور: ۳۲) و از این رو مطلوبیت ذاتی دارد.

غزالی با ذکر فواید پنج‌گانه برای ازدواج (فرزند، شکستن شهوت، ترویج نفس، تفریح قلب و ریاضت) بقای نسل را مهم‌ترین برمی‌شمارد (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ج ۳، ۵۸).

ب) اخلاق همسری

روابط میان زن و مرد افزون بر این که نیازمند به حقوق است و مقررات ازدواج، نفقه، مهریه، حضانت، فرزندان، طلاق و... را دربر می‌گیرد و اگر این حقوق رعایت نگردد، عدالت در میان زوجین محقق نمی‌شود، به اخلاق نیز نیازمند است. پس از تحقق ازدواج، بقای این رابطه نیازمند به آراسته شدن به فضایل و افعال اخلاقی است که در این تحقیق از آن به «اخلاق همسری» تعبیر می‌کنیم. از دیدگاه قرآن کریم، انس و آرامش یکی از اهداف الهی ازدواج است. منشأ گرایش مرد به زن و آرمیدن در سایه انس با یکدیگر، همانا مودت و رحمتی است که خداوند بین آن‌ها قرار داده است. این مودت الهی و انس روحی غیر از گرایش‌های غریزی است که برخی جریان‌های انحرافی در رابطه زن و مرد مطرح می‌کنند.

انسی که در سایه ازدواج فراهم می‌آید، بر مبنای افعال اخلاقی برگرفته از فضایل اخلاقی است. بدگویی، بدبینی، بدخواهی، بد رفتاری، شماتت و خشونت در روابط همسران، به جای آرامش، آتش می‌افروزد و تکرار و تذکر مداوم ملال‌آور است. برای رسیدن به آرامش توقع را باید کم کرد و تحمل را افزود و صبر و عفو و تغافل میوه شیرین کم‌توقعی است و این همه همان محاسن اخلاقی است که یک فرد منتظر در حیطه خانواده باید آراسته به آن‌ها باشد:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُتَنَتِّظِرٌ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۴۹)

منشور اخلاقی اوصاف و افعال منتظران، در این سخن امام معصوم علیه السلام ترسیم شده است:

أَعْيُنُونِي يَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفَّةٍ وَ سَدَادٍ. (شریف رضی، ۱۳۷۸: ۹۶۶، نامه ۴۵)

با توجه به مضمون روایت، اعانت و یاری امام عصر علیه السلام در پرتو چهار ویژگی اخلاقی ورع، اجتهاد، عفت و سداد تحقق می‌یابد. در روایت پیشین، ورع و محاسن اخلاق مطرح شد که به

نظر می‌رسد ذکر خاص قبل از عام - یا ذکر خاص بعد از عام - بیان‌گر تعظیم و بزرگداشت و اهمیت اوصاف است. محاسن اخلاق، شامل ورع، اجتهاد، عفت و سداد نیز می‌شود، ولی به دلیل اهمیت، این چهار صفت به طور جداگانه ذکر می‌شوند. به طور کلی در ادبیات - عرب یا غیرعرب - این شیوه ادبی مرسوم است و در لسان قرآن کریم نیز از آن استفاده شده است. برای نمونه:

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾. (بقره: ۹۸)

اگر فرد منتظر باید مزین به اخلاق حسنه باشد، بدیهی است خوش رفتاری و خوش گفتاری، مدارا و محبت، صبر و حلم و... باید در رفتار زوجین در خانواده منتظر مشهود باشد. اما در این تحقیق با تکیه بر روایت مهم پیشین، سعی داریم ورع، اجتهاد، عفت و سداد را به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های اخلاقی روابط زوجین بررسی کنیم. البته کسی که در مرحله عون و یاری امام عصر^{علیه السلام} قرار گرفته، از پیش باید به معرفت کامل آن وجود مبارک نایل آمده باشد و در پرتو این معرفت، به محبت و عشقی رسیده باشد که قوه محرکه حرکتش در جهت یاری ایشان و زمینه‌سازی برای ظهورش قرار گیرد که «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۷۶). انسان مادامی که نوع بینش و تلقی او از خود، خدا، هستی و جامعه تغییر نکرده باشد به چنین شناختی نمی‌رسد. تا مادامی که تلقی ما از انسان و برداشت ما از خویشتن دگرگون نشود و تا آن‌گاه که نقش انسان به عنوان خلیفه الهی مجهول بماند و بینش او از این نقش در حد تنوع، زندگی تکراری، در حد خوشی‌ها و سرگرمی‌ها و در حد بازیگر شدن و بازیچه ماندن خلاصه شود، شناخت و عشق و عون امام بودن معنایی نخواهد داشت:

یکم. ورع

«ورع» در لغت به معنای کف نفس است:

الورع: يدل على الكف والانتقباض. (ابن فارس، بی تا: ج ۶، ۱۰۰-۱۰۱)

این واژه در روایات بسیار تکرار شده، اما در لسان قرآن چنین واژه‌ای به کار نرفته است. واژه تقوا - که دارای معنای بسیار نزدیکی به این کلمه است - کاربرد قرآنی دارد. در اصطلاح روایی «ورع» آن است که انسان در برخورد با شبهه توقف کند (داورپناه، ۱۳۷۵: ج ۱۲، ۲۵۷). در کتب لغت، انسان باورع، ترسو معرفی شده است:

رجل ورع: الرجل الجبان. (ابن فارس، بی تا: ج ۶، ۱۰۰-۱۰۱)

ورع حالتی از حذر است که در انسان شکل گرفته و همین حالت او را بسیار محتاط می‌نماید؛ تا آن جا که نه تنها از گناه، که حتی از شبهه نیز بیمناک است و در خود حریمی ایجاد می‌کند. از این رو در روایات، از ورع به «سپر» تعبیر شده است.

اگر هر یک از دو واژه ورع و تقوا به تنهایی به کار برده شوند، می‌توانند مرادف باشند؛ اما در جایی که در کنار یکدیگر می‌آیند به یقین معنایی متفاوت دارند:

المتقی من اتقى كل ما نهى الله عنه، واكبر من التقوى الورع، والورع من اتقى الشبهات
و ترك الحلال مخافة الوقوع بالحرام. (آل غازی، ۱۳۸۲: ج ۳، ۵۵)

تقوا از ماده «وقی» به معنای حفظ، صیانت و نگه‌داری است؛ نگه‌داری نفس از آن چه انسان را به گناه می‌کشاند. تقوا گناه نکردن است، اما «ورع» وارد حریم گناه نشدن و حتی شبهات را نیز ترک کردن است. انسان با ورع نه تنها واجبات را انجام می‌دهد و از محرمات پرهیز می‌کند، بلکه از مکروهات و مباحات نیز می‌پرهیزد؛ زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید:

دَعَّ مَا يُرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يُرِيْبُكَ. (حر عاملی، ۱۳۹۱: ج ۱۸، ۱۲۴)

بنابراین، ورع از مراتب تقواست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

فَاتِي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ، فَإِنَّ مِنَ التَّقْوَى الطَّاعَةَ وَالْوَرَعَ وَالتَّوَّاضِعَ. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۵۴)

تقوا نقشه راه رسیدن به مقام قرب خدا، تابلوی راهنمای حرکت به سمت مقام «مشاهده و شهود قلبی» و منزل گزیدن در جوار رضوان الهی است. کسانی که می‌خواهند به درجه‌های عالی مقام تقوا برسند باید منازل و مراحل را بگذرانند. مرتبه نخست، ایمان و تسلیم است؛ مرتبه دوم، مقام توبه است که در این مقام، مؤمن از همه گناهان اجتناب می‌ورزد؛ مرتبه سوم، از شبهات اجتناب کردن، یعنی همان مقام ورع است (ابن عجبیه، بی تا، ج ۱، ۵۲۷).

ورع نیز مراتبی دارد: ورع التائبین، ورع المساکین، ورع المتقین، ورع الصدیقین و... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۷، ۲۵۷). صدیقین در مقام ورع از هر آن چه غیر خداست اعراض می‌کنند، از خوف این که ساعتی از عمر را در کاری که سودی ندارد تباه کنند. فرد منتظر که قلبش مملو از عشق و ایمان به خداست: «هم اصحاب المهدی علیه السلام الذین قال الله فيهم: ... يحبهم و يحبونه» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۷۰)، رنگ خدایی پیدا می‌کند: «رجال الهیون» (پورسیدآقایی، ۱۳۹۰: ۲۱۷)، به وحدانیت خداوند - آن چنان که حق وحدانیت اوست - اعتقاد می‌یابد: «فهم الذین وحدوا الله حق توحیده» (همو) و به امامت موعود منتظر ایمان دارد:

«القائمین بامامته» (طبرسی، ۱۴۲۵: ج ۲، ۳۱۷). چنین انسانی به همان میزان که عشق و علاقه در او شکل گرفته، خوف و خشیت جدایی و از دست دادن این عشق را نیز دارد. ترس از جدایی و محرومیت در فرد منتظر حالت حذر، ترس و ورع را ایجاد می‌کند.

آثار ورع در قلمرو روابط همسران، رابطه‌ای هماهنگ را ایجاد می‌کند که زمینه‌ساز نظام برین انسانی را فراهم می‌آورد. ورع به منزله اساس دین: «أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَرَأْسُهُ الطَّاعَةُ» (شریف رضی، ۱۳۷۸: ۱۵۳، خ ۱۳۳)، منشأ هر خلق نیکوست. عمل نیکو ثمره ورع است: «مَعَ الْوَرَعِ يُثْمِرُ الْعَمَلُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷: ج ۷، ۱۲۱). به همین دلیل در روایت، پیش از اخلاق نیکو، ورع ذکر شده است. ورع در زندگی نورانیت و پاکی مطلق را به ارمغان می‌آورد و آرامش بین زوجین را رقم می‌زند و باعث شکوه و هیبت در چهره و قاطعیت در رفتار می‌شود. ورع عامل محبوب شدن در نزد یکدیگر و بر قلب‌ها حکومت کردن است. ورعی که به عنوان یک حالت نفسانی در دل احتکار شود و آثار و نشانه‌ای از خود نداشته باشد، ابتر است. از نشانه‌های ورع در بین زوجین‌ها به دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱. **خوش رفتاری و خوش گفتاری:** اگر ورع مقدمه اخلاق نیکوست، مهم‌ترین خلق نیک خوش رفتاری و خوش گفتاری است. در اسلام، یکی از وظایف مهم اخلاقی مرد نسبت به زن خوش رفتاری^۱ و خوش گفتاری^۲ است.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر آیه ۱۹ سوره نساء، قلمرو لزوم حسن معاشرت و رفتار شایسته با زنان را حتی فراتر از زندگی خانوادگی دانسته است و لازمه آن را قرار دادن زن در جایگاه واقعی خود در ایجاد جامعه‌ای مطلوب و به عنوان یکی از دو رکن سازنده جامعه انسانی، هم‌سنگ مردان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۴، ۲۵۵ - ۲۵۷). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رفتار و کلام نیکو را اساس پذیرش عبادات زن دانسته و می‌فرماید:

هر زنی که با زبانش شوهرش را بیازارد، خداوند توبه و کفاره او را نمی‌پذیرد، بلکه هیچ کار نیکی را از وی قبول نمی‌کند، حتی اگر روزها را به روزه‌داری و شب‌ها را به عبادت بگذراند تا وقتی که شوهرش را راضی کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۳، ۲۴۴)

امام صادق علیه‌السلام زنی را که با همسرش به نیکویی رفتار کند و به استقبال و بدرقه شوهرش در منزل بیاید، از کارگزاران خداوند که نیمی از پاداش شهید را دارد می‌داند (حر عاملی، ۱۳۹۱: ج ۱۴، ۱۰).

۱. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)
 ۲. با زنان خوش گفتار باشید و به نیکی سخن بگویید تا شاید آنان هم به نیکی رفتار کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۳، ۲۲۴)

۲. **محبت:** ترس از دادن محبوب، انسان با ورع را به احتیاط می‌کشاند. محبت و عشق به همسر - که نشانه‌ای از محبت امام است - همراه با خشیتی است که به گونه‌ای حرکت نکند که سد راه او باشد؛ بلکه با او و به وسیله او ظهور را محقق سازد.

در روایات از نشانه‌های محبت و عشق به امام علیه السلام محبت به همسر ذکر شده است:

هر کسی محبتش نسبت به ما شدیدتر گردد، محبت وی به زنان شدیدتر است.

(همو: ج ۱۴، ۱۱)

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

اعْلَمَنَّ أَنَّ التَّسَاءَ شَتَّى فَمَنْهُنَّ الْغَنِيْمَةُ وَالْعَرَامَةُ وَ هِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لِزَوْجِهَا وَالْعَاشِقَةُ لَهُ.

(مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۲، ۲۳۴؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۱۶۱)

ابراز محبت متقابل می‌تواند سودمندترین رابطه کلامی باشد:

قول الرجل للمرأة: إني أحبك لا يذهب من قلبها أبداً. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۵۶۹)

این نکته اخلاقی سودمند است که در ابراز محبت باید همواره حد را نگاه داشت. تا آن جا که هنوز به جمله‌هایی از تو مشتاق‌اند، خاموشی شیرین‌تر است. دل‌زدگی حتی در ابراز محبت، تنفر می‌آورد. این نکته نیز اهمیت دارد که ارتباط کلامی در خانه، برای مرد به اندازه زن اهمیت ندارد. مرد در روابط به صرف حضور بیشتر توجه دارد (تانن، ۱۳۸۴: ۹۵ - ۱۰۰).

دوم. اجتهاد (کوشایی)

ورع و خشیت و ترس ناشی از آن، شاید انزوا و خمودی را به همراه داشته باشد. انسان ممکن است از شدت احتیاط از هر اقدامی جدا شود و گوشه عزلت گیرد. از این رو در روایت شریف «أعينوني» پس از ورع، انسان به «اجتهاد» دعوت می‌شود؛ یعنی منتظر باید به اندازه تمامی امکانات و ظرفیت کار کند. اجتهاد با اقدام متفاوت است؛ اجتهاد اقدامی است که با همه وجود انجام می‌شود. اجتهاد عملی همراه با مراقبت است. انسانی که عاشق محبوب است، از هر عملی که شاید او را اندوهگین کند می‌پرهیزد و نه تنها دوری می‌کند که هراسان است و در این حالت باید به کوشش و تلاش دعوت شود. تلاش و کوشش آن جا شکل می‌گیرد که فرصت‌ها محدود باشند و انسان میان کاری که انجام داده و کاری که می‌تواند انجام دهد و باید انجام می‌داد، محاسبه برقرار ساخته است. فرصت محدود و جایگاه مناسب و نسبت توان و عمل از زمینه‌های اجتهاد و تلاش هستند (صفایی حائری، ۱۳۸۰: ۵۷). آغاز روایت با ورع برای این است که اگر ورع نباشد، احتمال وارد شدن به راه نادرست زیاد است؛ از این رو

نخست باید مصونیت شکل گیرد تا تلاشی مثبت آغاز شود. با بینشی دیگر، اجتهاد بعد از ورع، کوششی برای تمرین و ممارست برای ثابت و راسخ کردن اوصاف اخلاقی است که دوری از شبهات نیازمند تمرین و ممارست مداوم است.

ثمره چنین اجتهادی در اخلاق همسرداری، دوری از سستی، قنوط و یأس است؛ زیرا آفت بزرگ خوف و افراط در آن کاهلی و ناامیدی است. اصلاح امروز، نیازمند تدارک فرداست و تدارک فردا، به آینده‌نگری، دوراندیشی و تلاش نیازمند است. به بهانه ورع و زهد نباید به انزوا و کاهلی گرفتار شویم و حتی در تهیه معاش و امور زندگی سستی ورزیم. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام با گفتار و عمل، همواره پیروان خود را به تلاش برای روزی حلال تشویق کرده‌اند:

الشَّاخِصُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۳، ۱۲)

اگر اجتهاد را در کنار ورع، تمرین و ممارست در راسخ شدن صفات نفسانی بدانیم، بهترین کوشش در این راستا در قلمرو اخلاق همسری شکل می‌گیرد؛ زیرا ازدواج نخستین گام برای رهایی از خودپرستی و خوددوستی به سوی غیردوستی و نخستین و سخت‌ترین میدان واقعی برای تجربه دیگر دوستی است. بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی، در ظرف روابط همسری ظهور می‌یابد. ازدواج ظرف ظهور فضایی مانند عدالت، انصاف، احسان، ایثار، انفاق، تواضع، صداقت و همچنین رذایلی چون ظلم، حق‌کشی، خودخواهی، تکبر، خیانت، دروغ، بی‌حیایی و حسادت است.

سوم. عفت

واژه «عفت» از نظر لغوی حفظ نفس از امور قبیح است و در اصطلاح خودداری از تمایلات و شهوات نفسانی است. تفاوت عفت با تقوا این است که تقوا حفظ نفس از محرّمات و از هر آن‌چه که موجب خلاف و عصیان می‌شود، برشمرده می‌شود. بنابراین عفت به امور و تمایلات درونی نفس، و تقوا به امور خارج از نفس تعلق می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۱۸۰). از آن‌جا که تمایلات نفسانی به اختلاف اشخاص و موارد مختلف می‌گردد، معنای عفت نیز تغییر می‌کند. عفت در فرد فقیر به معنای قناعت و خودداری نفس از تمایلات و شهوت شکم و خوراک است. عفت در ازدواج به معنای کف نفس از شهوت به هر وسیله‌ای ممکن چون روزه، عبادت، اشتغال و برکناری از صحنه‌های تحریک‌کننده است. مهم‌ترین بُعد عفت، عفت شکم و عفت دامن به شمار می‌آید:

مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عَقَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۸۰ و ج ۸، ۷۹)

در این نوشتار، مجموعه بایدها و نبایدهای هنجاری و اخلاقی حاکم بر روابط و زندگی جنسی زن و مرد را «اخلاق جنسی» می‌نامیم. موضوع اخلاق جنسی، رفتار، گفتار و اندیشه‌های مرتبط با گزینه جنسی است که یا به‌طور مستقیم اختیاری بوده، یا دارای مبادی و مقدمات اختیاری هستند و هدف آن هدایت نظام‌مند، منطقی و هماهنگ‌گریزه و عمل جنسی است (دیلمی، ۱۳۹۳: ج ۶، ۱۵۳). در اسلام با واقع‌بینی به‌گزینه جنسی، به‌عنوان یکی از گرایز اصلی انسان توجه شده است و به بهره‌برداری صحیح از آن از طریق ازدواج و همسر توصیه شده و رهبانیت را مردود می‌شمارد:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ ظَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِرَوْحَةٍ. (حرعاملی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۱۸)

فضیلت اخلاقی عفت و آراسته شدن زوجین به آن، یکی از راهکارهای دین اسلام برای تعدیل روابط جنسی است و از صفات اخلاقی است که فرد منتظر برای یاری امام زمان خویش باید به آن مزین باشد. ارتباط عفت با دو ویژگی ورع و اجتهاد در این است که در حوزه عمل و در میدان اقدام، آفات گوناگونی از شهوات و از غضبی که پشتوانه این شهوات است در کمین است؛ به‌ویژه آن‌جا که این شهوات محبوب شده باشد و توجیه و تزیین گردیده باشد؛ زیرا قرآن کریم فرموده است:

﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ﴾. (آل عمران: ۱۴)

این جاست که آدمی باید حرکت کند و از کمترین امکان برای تأمین نیازهایش بهره‌گیر (صفایی حائری، ۱۳۸۰: ۵۴).

می‌توان به برخی از مهم‌ترین جلوه‌ها و نمودهای عفت در اخلاق جنسی اسلام که روابط همسران را پایدار می‌نماید اشاره کرد:

۱. **تمکین همسر:** تمکین و حصول رضایت همسر و توجه به نیازهای زناشویی تنها قرار دادن زن در تحت اعمال گزینه جنسی نیست؛ زن نیز همچون مرد دارای گزینه جنسی است، هرچند حیای زن باعث می‌شود نیازهای خود را به‌طور صریح به زبان نیاورد (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ۳۳۹). خودآرایی زن و مرد در پاسخ‌گویی به نیاز جنسی یکدیگر، توصیه اسلام در توجه به نیازهای جنسی است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۲۳۷). رسول خدا ﷺ زنی را که در پاسخ‌گویی به نیاز جنسی همسر کوتاهی کرده بود تسویف دهنده‌ای خواند که مورد لعن ملائکه است (طبرسی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۴۱۵). به زن یا مردی که وظایف زناشویی خود را در برابر همسر خود انجام ندهد «ناشره» و «ناشر» گفته شده است (عاملی، ۱۴۱۳: ج ۸، ۴۴) و زمانی که این اقدام

از سوی هر دو باشد «شقاق» نامیده می‌شود (نساء: ۳۵).

۲. وفاداری: «وفاداری» به معنای التزام و پایداری به پیمان زناشویی و خیانت نکردن به همبستگی عاطفی و جنسی است. آیات و روایات متضمن لزوم وفاداری در مطلق پیمان‌ها و ضرورت پای بندی به همبستگی عاطفی در پیمان زناشویی، مهم‌ترین ادله و جوب وفاداری به شمار می‌رود. بدون تردید وفاداری، بستر شکل‌گیری اعتماد است (نقیبی، ۱۳۹۰: ۹).

از جمله بحران‌های عصر غیبت، شهوات جنسی است. این شهوات ممکن است زوجین را نسبت به یکدیگر بی‌انگیزه کرده و میل و رغبت نسبت به بیگانه را در نزد آنان ایجاد نماید. برای مقابله با چنین شرایطی باید حریم جنسی حفظ شود. لازمه ایجاد وفاداری در بین همسران، زدودن زمینه‌ها و انگیزه‌های گرایش به روش‌های غیرمجاز است. بازداشتن نگاه شهوت‌آمیز، حفظ حریم میان افراد نامحرم، حجاب، درک صحیح و بدون پیرایه از جایگاه ازدواج موقت و تعدد زوجات به منظور پرهیز از هوس‌رانی و پارسایی ذهنی در روابط همسری از تدابیر اسلام برای حفظ وفاداری در خانواده منتظر به شمار می‌آید. ارضای نیاز جنسی بین همسران در هر موقعیت (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، ۲۳۹) برای ایجاد آرامش و نشاط در روح و روان زن و شوهر ضروری است (حر عاملی، ۱۳۹۱: ج ۱۴، ۸۲). وفاداری و پرهیز از هرگونه بی‌احتیاطی و حفظ ورع در محافظت جنسی و سلامت اخلاقی رابطه همسری، عفت عمومی جامعه را تضمین می‌کند.

چهارم. سداد

واژه سداد از «سَدَدَ» به معنای بستن است. «سَدَدَتِ الثَّلْمَةِ سَدًّا» یعنی هر حاجز و مانعی را بین دوشی بستن و شکاف و رخنه را ترمیم کردن است و از همین رو «سدید» به معنای استوار است؛ گویا هیچ شکاف و رخنه‌ای در آن نیست. سدید استواری است که مانع از ورود امور دیگر است. بنابراین در واژه «سداد» دو قید لحاظ می‌گردد؛ اتقان و استحکام فی نفسه با حاجزیت و مانعیت. مثلاً «قول سدید» یعنی سخن متقن و حق که مانع از تشابه می‌گردد و عواملی که ممکن است برای آن آسیب‌زا باشد را می‌بندد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۸۷ - ۸۹).

بنابراین «سداد» پرکردن شکاف‌ها و برداشتن کسری‌ها و کمبودهاست. وجود مسدد، وجودی است که خود شکاف و کسری ندارد و «اهل سداد» کسانی هستند که شکاف‌ها و کسری‌ها را پر می‌کنند و کمبودها را می‌آورند و تمامی کارهای انجام نشده و نیازهای برآورده نشده را در نظر داشته و با توجه به اهمیت‌ها و اولویت‌ها به آن می‌پردازند (صفایی حائری،

رابطه عنصر سداد با ورع، اجتهاد و عفت آن است که آن جا که کوشش بسیار انجام شده و حاصل کار کم است، باید محاسبه‌ای مستمر و جمع‌بندی مداوم صورت گیرد تا کسرها و ضعف‌ها پیدا شود. کسانی که به مجموعه نیازها و کارها نگاه می‌کنند و از دم دست بر نمی‌دارند و می‌خواهند کاری مؤثر انجام داده باشند و نمی‌خواهند وقت را پر کرده باشند، اهل سداد هستند. در واقع این مرحله تمامی مراحل ورع و اجتهاد و عفت را می‌خواهد که اهل سداد باید خود مسدد باشند و کسری‌هایشان را پر کرده باشند و آن‌گاه با احاطه و بصیرت بر تمامی طرحی که دارند و کارهایی که مانده، به اقدام بپردازند (همو: ۵۹). انسانی که بدون ورع اقدام می‌کند و می‌کوشد، ضعف‌ها و کمبودها و منفذهایش زیادتر می‌شود. اگر ناپاکی بود و عفت وجود نداشت، ضعف‌ها و کسری‌ها مضاعف می‌گردد.

ویژگی سداد در اخلاق همسررداری در شکل «لباس و پوشش» بودن زن و مرد نسبت به یکدیگر ظهور می‌یابد: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره: ۱۸۷). همسران عیب‌های یکدیگر را می‌بندند و می‌پوشانند و از شیوع و گسترش آن جلوگیری می‌کنند. انسان مسدد، علاوه بر پوشش کاستی‌ها و ضعف‌ها، باید کمبودها را نیز مداوا کند و این امر حاصل نمی‌گردد جز در سایه ایجاد زمینه برای گفت‌وگو، دادن فرصت بازگشت و صلح و چشم‌پوشی و فاصله گرفتن از خوددوستی به سوی غیردوستی.

۳. اخلاق زمینه‌ساز در قلمرو روابط والدین با فرزندان

از جمله عوامل تأثیرگذار بر زمینه‌سازی ظهور ولی عصر علیه السلام نقش والدین در خانواده است. کودک، نخستین الگوهای زندگی خویش را از والدین می‌گیرد. خانواده نهادی بسیار ارزش‌گذار و انتقال‌دهنده ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است و تنها سازمان اجتماعی است که با اعضای خود با عشق، عقل و مراقبت بسیار برخورد می‌کند و همین نیروی همبستگی باعث تعالی افراد می‌شود (Novak, 1982: 165). خانواده یک ارگانیسم با روح جمعی است که باورها و اصول اخلاقی متعالی در آن نقشی محوری ایفا می‌کند. از میان باورهای تأثیرگذار در خانواده که سبب همبستگی و رفتار اخلاقی می‌شود، باور به ظهور یک منجی و تحقق مدینه فاضله اوست. در اوصاف و صفات یاران امام مهدی علیه السلام آمده است که آنان چنان رفتار برادرانه‌ای دارند که گویا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند:

إن اصحاب المهدي علیه السلام یلقى بعضهم بعضاً كأنهم بنو أب وأم. (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۲۴)

- اخلاق زمینه‌ساز در قلمرو خانواده، در این نوشتار ناظر بر چهار امر است:
۱. اوصاف و افعال اخلاقی که والدین در فرزندان خود ایجاد و تقویت می‌کنند تا - ان شاء الله - فرزندان در شمار اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام باشند.
 ۲. اوصاف و افعالی که والدین در فرزندان خود ایجاد و تقویت می‌کنند تا در مقابل بحران‌هایی که در عصر غیبت آن‌ها را تهدید می‌کند، حفظ شوند تا از این طریق بستری مناسب برای ظهور حضرت تحقق یابد.
 ۳. اوصاف و افعال اخلاقی که والدین در خود ایجاد و تقویت می‌کنند تا شناخت و عشق به حضرت مهدی علیه السلام و آرزوی فرج آن گوهر هستی را در فرزندان خود شکوفا گردانند.
 ۴. اوصاف و افعال اخلاقی در فرزندان که وظایف اخلاقی خاصی را برای آن‌ها نسبت به والدین ترسیم می‌کند که بستر ساز ظهور است.

در این پژوهش، برآنیم اخلاق زمینه‌ساز در خانواده را در سه قلمرو اول بررسی نماییم و از نقش پدر در این امر مهم تحت عنوان «اخلاق مدیریت» و از نقش مادر به عنوان «اخلاق مادری» یاد می‌کنیم؛ زیرا به نظر می‌رسد مهم‌ترین وظیفه مرد در حیطه خانواده، مدیریت است و اساسی‌ترین وظیفه زن در خانواده، مراقبت و مادری است. در بخش «اخلاق تربیت» نیز برای والدین سهمی یکسان قائل هستیم و وظایف اخلاقی زمینه‌ساز فرزندان نسبت به والدین را به فرصتی دیگر وامی‌گذاریم.

الف) اخلاق مدیریت

چنان که گفته شد مراد از خانواده در این نوشتار، خانواده هسته‌ای است؛ یعنی زن، شوهر و فرزندی که معمولاً با هم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر (= پدر) هستند. ضابطه تشکیل خانواده، ریاست مرد بر اعضای آن است که نوعی وحدت و هماهنگی در امور خانواده و میان اعضای آن ایجاد می‌شود و از آنان گروهی منسجم می‌سازد (صفایی و امامی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲). در این تعریف، قید «معمولاً» نشان‌دهنده این است که خانواده بی سرپرست و فاقد مرد، با آن که شخصی به عنوان رئیس (مرد)، مدیریت آن را بر عهده ندارد، ولی باز خانواده به شمار می‌آید.

نظام خانواده مانند دیگر نظام‌های انسانی و اجتماعی دارای سازمان است. در هر سازمان، هر فرد برای خود جایگاهی ویژه دارد که نشانه قدرت و تأثیر او بر دیگران است. در جوامع انسانی، سازمانی که همه افراد در آن در یک رتبه باشند، دیده نمی‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران خانواده، وجود سلسله مراتب شفاف و صحیح درون خانوادگی را پیش فرض کار

این خانواده در نظر می‌گیرند. نظم و انسجام خانواده به سلسله‌مراتب آن بستگی دارد (سالاری فر، ۱۳۸۵: ۹۱). لزوم مدیریت و ریاست برای خانواده امری فطری و بدیهی است. فارابی از مدیر منزل با عنوان «رب المنزل» یاد می‌کند و او را در منزل به مدیر منزل و منزل را به بدن انسان تشبیه می‌نماید (فارابی، ۱۳۸۳: ۴۰ - ۴۲). اسلام نیز بر لزوم سلسله‌مراتب در خانواده تأکید دارد. از لوازم سلسله‌مراتب، اقتدار بیشتر برخی اعضاست. اگر این سلسله‌مراتب رعایت نشود و والدین از اقتدار کافی برخوردار نباشند، خانواده با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد. از این رو پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

خدایا، به تو پناه می‌برم از فرزندی که خدایم باشد! (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۳، ۱۸۷)

در اسلام افزون بر تأکید بر اقتدار والدین به مرد اقتدار بیشتری داده شده است و ریاست خانواده برعهده مرد است. منظور از مدیریت و ریاست، تصمیم‌گیری در امور خانواده براساس مراعات مصلحت و راهبری و کنترل خانواده برای دستیابی به اهداف الهی است. البته احراز ریاست مرد در خانواده مستلزم برخورداری از اوصاف و شرایطی مثل اهلیت، عقل، قدرت و توان مندی و صلاحیت اخلاقی است که فقدان آن‌ها مرد را از این موقعیت و مسئولیت - که امتیاز فردی برای وی به شمار نمی‌آید - بی‌بهره می‌سازد؛ زیرا تفویض مسئولیت به ناهلان مصداق ظلم است و ظلم عقلاً و شرعاً قبیح است.

در این نوشتار، باید تأکید کنیم که «اخلاق مدیریت» با «مدیریت اخلاق» متفاوت است. «اخلاق مدیریت» را ویژگی‌های نفسانی و فضایی می‌دانیم که یک مدیر باید به آن‌ها آراسته باشد و ویژگی‌های ناپسندی که باید از آن‌ها پرهیز کند؛ ولی «مدیریت اخلاق» به معنای اداره و کنترل مسائل اخلاقی است. به بیان دیگر، مدیریت اخلاق، شناسایی و اولویت‌بندی ارزش‌های اخلاقی برای هدایت رفتارهاست و با ایجاد برنامه‌ای دقیق، می‌توان اخلاقیات را در محیط خانواده مدیریت کرد. بنابراین، اگرچه در حیطه اخلاق مدیریت، مرد را مدیر خانواده می‌دانیم و اخلاق مدیریت را - از آن جهت که اداره امور خانواده را در نیل به اهداف معین عهده‌دار است - ملکات نفسانی او تعریف می‌کنیم، اما در قلمرو «مدیریت اخلاق» در نظام خانوادگی قائل به مدیریت مشارکت‌گرایانه زن و مرد هستیم.

اخلاق زمینه‌ساز در حیطه «اخلاق مدیریت» در خانواده، به معنای اوصاف اخلاقی است که مدیر خانواده باید واجد باشد و رفتار اخلاقی خویش را براساس آن سامان دهد تا بتواند خانواده‌ای مهدوی را اداره کند و به هدف اصلی این خانواده - که همانا تحقق ظهور است - برساند. در این راستا، باید بتواند بر بحران‌هایی که افراد خانواده را در عصر غیبت تهدید

می کند فائق آید. از این رو برای یک مدیر، فضایی مانند ایمان، بصیرت، شجاعت، شرح صدر، حلم، نظم و صداقت پسندیده تر و بایسته تر از دیگران است و همین طور رذایلی چون ترس، تزلزل، اضطراب، یأس، شتاب زدگی - که برای همه انسان ها در هر شرایط و موقعیتی زشت و ناپسند است - برای او زشت تر و قبیح تر است. در این نوشتار، بر اوصاف و افعال اخلاقی تأکید می ورزیم که در سایه ورع، اجتهاد، عفت و سداد فراهم می آید و این چهار ویژگی را مبنا و اساس اخلاق زمینه ساز می دانیم و معتقدیم مهم ترین شاخصه های اخلاقی یک مدیر در خانواده مهدوی عدالت، امیدواری، قاطعیت و صبر است. عدالت و صبر ثمره ورع، امیدواری ثمره اجتهاد و قاطعیت میوه سداد است:

یکم. عدالت

عدالت از واژه «عدل» است و از نظر لغوی به تسویه دو چیز اطلاق می شود (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۴۲۱). عدالت لفظی است که مساوات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۳۶)، میانه روی و اجتناب از افراط و تفریط در هر امری را اقتضا می کند. برخی عدالت را به قرار دادن هر چیز در جایگاه خود معنا می کنند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۴۲۱). برخی نیز آن را رساندن هر صاحب حقی به حق خویش معنا کرده اند (طوسی، ۱۳۶۱: ۹۹). عدالت در اصطلاح علم اخلاق، اعتدال در قوای نفسانی در تحت تدبیر عقل است. از این رو عدالت اخلاقی، فضیلتی جامع سایر فضایل است و به تبع آن قوه غضب از افراط و تفریط رهایی یافته و قوه شهوت مسیر اعتدال را می پیماید و در نتیجه آن قوه عقل نیز به حکمت رسیده و قوای دیگر را رهبری می کند. این نوع عدالت، در اخلاق به معنای عام است و به عدالت فردی از آن یاد می شود و در برابر آن عدالت اجتماعی قرار دارد که به معنای دفع ظلم از دیگران بوده و به عدالت به معنای خاص اطلاق می شود. در برابر عدالت فردی نیز ظلم قرار دارد که به معنای تعدی و تجاوز از حد اعتدال است (نراقی، ۱۳۶۲: ۳۷۰).

علمای علم اخلاق یکی از رؤس فضایل اخلاقی را عدالت می دانند و معتقدند دوازده فضیلت صداقت، الفت، وفا، شفقت و مهربانی، صله رحم، مکافات، حسن معاشرت، حسن قضا، تودد، تسلیم، توکل و عبادت زیرمجموعه فضیلت عدالت است (طوسی، ۱۳۶۱: ۸۹ - ۱۱۰).

عدالت یکی از مفاهیم مهم و عام اخلاقی است که در خانواده به آن تأکید شده است. در حوزه مدیریت خانواده مراد از عدالت هم می تواند عدالت فردی باشد که در این صورت مدیر خانواده باید جامع بسیاری از فضایل اخلاقی باشد و هم می تواند مراد

عدالت اجتماعی باشد که در حوزه روابط مدیر با اعضای خانواده است. در لسان روایات مهدوی به نظر می‌رسد می‌توان واژه عدالت را بیشتر ناظر به عدالت اجتماعی بدانیم؛ گرچه قابل اطلاق به عدالت فردی نیز هست. سیره امام مهدی علیه السلام سلوک بر مبنای عدالت اجتماعی است:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۲)

سیره یاران او نیز این چنین است:

اللَّهُمَّ وَأَمَلًا بِهِمْ كُلِّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَفُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرْحَمَةً وَفَضْلًا.
(مجتهدی، ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۶۹)

همچنین در فضایل اخلاقی امام علیه السلام و یارانش صفاتی ذکر می‌شود که ناظر به عدالت فردی است. بنابراین نه تنها عدالت اجتماعی، بلکه عدالت فردی نیز شاخصه فرد منتظر به شمار می‌آید. مدیر در خانواده با داشتن فضیلت عدالت باید بتواند در هر موقعیتی با توجه به مقتضیات زمان، نقش خود را ایفا کند و از هرکسی به اندازه استعداد و ظرفیت‌هایش توقع داشته باشد.

دوم. صبر

مقاومت و پایداری در مسیر انتظار موعود جهانی، از مهم‌ترین شاخصه‌های خانواده منتظر به شمار می‌آید. شرط مهم انتظار، استقامت در برابر نقصان‌ها و کمبودهاست:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ. (قندوزی، بی‌تا: ج ۱، ۱۰۳)

در فرهنگ اخلاقی صبر به معنای وادار نمودن و حبس کردن نفس به آن چه عقل و شرع اقتضا می‌کنند و باز داشتن از آن چه عقل و شرع نهی می‌کنند، اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۴). صبر بر سختی‌ها و مصیبت‌ها و عدم اضطراب و پریشانی، سعه صدر است و از ابزارهای مهم و مؤثر در مدیریت به شمار می‌رود. اگر مدیر خانواده صبور نباشد، نظام خانواده تباہ می‌شود. از آثار سعه صدر در خانواده، رفق و مدارا، تغافل، انتقادپذیری، وقار و متانت است که لازمه ضروری هر مدیریتی است.

سوم. امید

امید به معنای احساس راحتی قلب در نتیجه انتظار تحقق امری که محبوب و خوشایند است (نراقی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۴۴) با مقوله انتظار ارتباطی تنگاتنگ دارد. اگر انتظار نه یک

حالت، بلکه یک عمل است،^۱ انسان منتظر همواره امیدوارانه اقدام می‌کند. بنابراین امید با «کوشایی» و اجتهاد نیز ارتباط می‌یابد. یکی از ویژگی‌های مدیر خانواده، امیدوار بودن به تحقق اهداف خانواده و از جمله تحقق ظهور است که از آثار انتظار به شمار می‌آید. این شور و اشتیاق و امید از مدیر به افراد خانواده نیز سرایت می‌کند و سبب پویایی، دوری از افسردگی و خمودی و انزوای در جامعه می‌شود و خانواده منفعل را به خانواده‌ای فعال تبدیل می‌گرداند.

چهارم. قاطعیت

ثمره ویژگی سداد در مدیر خانواده، قاطعیت در تصمیم‌گیری، انضباط و اعتماد به نفس است. مدیر خانواده برای پیشبرد اهداف متعالی در خانواده با برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و هماهنگی - که از ارکان مدیریت اسلامی است - اقدام می‌کند و به توانایی‌های خویش ایمان دارد و در رأس هرم مدیریت خانواده در تصمیم‌گیری راسخ است و اگر احیاناً دچار اشتباه شد با شجاعت و صداقت اشتباه خویش را می‌پذیرد.

ب) اخلاق مادری

دیدگاه‌های فمینیستی در دوران معاصر یکی از جدی‌ترین بحران‌های عصر غیبت را رقم زده است. این نگرش، «اخلاق مادرانه» را تقبیح و آن را بیان‌گر تمایلات درونی زنان برای نوعی مراقبت از دیگران می‌داند که آنان را به شدت درگیر روابط عاطفی می‌کند (پرنر، ۱۳۸۳: ۱۰۲). خصایص سنتی زنانه مثل مراقبت، دل‌سوزی، خیرخواهی، پرورش دادن و مهرورزی از ویژگی‌های منفی قلمداد شده که جامعه مردسالار بر زنان تحمیل کرده است (تانگ، ۱۳۸۲: ۱۷۰). خانواده صحنه نابرابری است که زنان در آن به انقیاد کشیده می‌شوند (آبوت و والاس، ۱۳۸۵: ۱۱۴). در این دیدگاه، مادری سرشت طبیعی زنان و کارکردی غریزی است (Chodorow, 1978: 50). گروهی از فمینیست‌های تندرو، سرکوب زنان را به موضوع مادری ربط داده و حتی رایج‌ترین مانع زنان را بیولوژی تولید مثل می‌دانند (یزدی، ۱۳۸۹: ۳۹۰).

زن منتظر در عصر غیبت باید با شناخت و آگاهی کامل به مقابله با این دیدگاه‌ها برخیزد. از نظر اسلام، زن به منزله رکن اساسی خانواده، شالوده خانواده را بنیان می‌نهد و به دلیل جایگاه عاطفی که در خانواده دارد، می‌تواند با فضایل و افعال اخلاقی خود جلوه‌گاه رحمت الهی و بهترین انتقال‌دهنده فرهنگ انتظار باشد. اسلام مهم‌ترین نقش زن را مادری و مهم‌ترین

۱. أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۸)

وظیفه‌اش را مراقبت می‌داند. برخی براین باورند که حتی احساسات و عواطف زن به همسر خود، پایه در عشق مادری داشته، حالتی ثانوی از مادری زن است و از غریزه او در انطباق با اوضاع برمی‌خیزد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷۴). «مادری» رابطه و نقش اجتماعی در پرورش جسمی و روحی فرزندان و حمایت عاطفی از آنان است. توجه به فرزندان و مراقبت از آن‌ها در تفکر اسلامی، نقشی زنانه و نقطه کمال و تعالی زن دانسته می‌شود تا جایی که بهشت زیر پای مادران قرار داده شده است.

اخلاق مادری یا مراقبت، رابطه‌ای است که در آن مادر نه براساس وظیفه یا عدالت، بلکه بر اساس خیرخواهی، محبت و دل‌سوزی عمل می‌کند. رفتار او چیزی فراتر از حق و عدالت است. مادری فنی عمیق، همراه با مبانی دقیق و مهارتی است که غفلت از آن موجب تباهی نسل و فساد جامعه می‌شود. کلمه «امّ» به معنای اصل و پایه هر چیز است. اگر مهم‌ترین نقش زن در خانواده مهدوی «مادری» است، مهم‌ترین ویژگی اخلاقی زن منتظر در خانواده، محبت کردن انجام وظیفه مادری از طریق مهرورزی است. در جایی که اقتدار و مدیریت پدر شکل می‌گیرد و رفتارش بیش از هر چیز بر پایه عدالت قرار می‌گیرد، برخورد محبت‌آمیز مادر می‌تواند گره‌های ناگشوده را بگشاید.

در این نوشتار، گام را فراتر نهاده و ادعا می‌کنیم «اخلاق خانواده» ارائه راهکارهایی برای بروز و ظهور محبت در بین اعضای خانواده است. اگر اخلاق خانواده را گسترش دهیم، در مرحله‌ای بالاتر به اخلاق اجتماعی و در مرتبه دیگر به اخلاق حرفه و تجارت می‌رسیم و حتی می‌توان آن را در سطحی گسترده‌تر به اخلاق بین‌المللی بسط دهیم؛ به‌ویژه اگر به دهکده جهانی و تبدیل شدن جهان به یک خانواده قائل باشیم، اخلاق خانواده، اخلاق نوع بشر است. بنابراین ملاک رفتار اخلاقی همه انسان‌ها بر اساس «اخلاق محبت» است. مراد از محبت، نه محبت غریزی، بلکه محبت عقلی است که جلوه و نشانه‌ای از محبت باری تعالی است و در سایه محبت او رنگ می‌یابد؛ محبتی که محب، محبوب را نه صرفاً برای خودش، بلکه او را برای خدا می‌خواهد؛ محبتی که راه رسیدن به کمال و قرب الهی است؛ محبتی بدون چشم‌داشت و ایثارگرانه. از این روست که ولّی عصر علیه السلام از پدر و مادر بر انسان‌ها مهربان‌تر است:

يَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛ (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۲۷)

او (امام مهدی علیه السلام) نسبت به مردم از خودشان سزاوارتر و از پدر و مادرشان

دل سوزتر است.

این مهر و محبت اوست که خطاب به منتظران می‌فرماید:

وَلَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَّحَبَّةٍ صَالِحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مَخَاطِبِكُمْ

فِي شُغْلٍ...؛ (طبرسی، ۱۴۲۵: ج ۲، ۴۶۷)

و اگر محبت و عشق به اصلاح و نجات شما و مهر و دل‌سوزی نسبت به شما نبود، هیچ سخنی با شما نداشتیم...

مادر در خانواده مهدوی با متصف شدن به فضایل ورع، اجتهاد، عفت و سداد، محبت به اعضای خانواده را - که رنگی از محبت خدا و عشق به امام زمان علیه السلام است - پیشه می‌سازد؛ محبت برگرفته از این فضایل به یقین تنها محبتی غریزی نیست.

ج) اخلاق تربیت

اخلاق تربیت در خانواده منتظر، تبیین شیوه‌ها و ابزارهای آراستن افراد خانواده به فضیلت‌ها و پیراستن آن‌ها از رذایل اخلاقی است که موجب تأخیر در ظهور می‌شود. این روش‌های تربیتی، گاه به صورت خودتربیتی، گاه دیگرتربیتی، گاه گفتاری و گاه عملی، گاه سلبی و بازدارنده، گاه ایجابی و اصلاحی و گاهی برای همه مراحل سنی و گاه سن خاص است. برای آن که تربیت مهدوی تحمیلی نشود باید مبادی رفتار را در فرزند ایجاد کرد. به دیگر سخن، ابتدا باید تصویری صحیح از مفهوم انتظار و امام‌باوری در فرزند ایجاد شود؛ زیرا شاخصه ارزش‌گذاری در انسان معرفت اوست. پس از چنین شناختی، وی باید فایده عمل به فضایل و دوری از رذایل را تصدیق کند تا در نهایت شوق مؤکد به انجام فعل در او ایجاد شود. اگر در تربیت این سه مرحله (تصور، تصدیق به فایده و شوق مؤکد) رعایت نگردد، نه تنها نمی‌توانیم فرهنگ مهدوی را در خانواده راسخ کنیم، بلکه شاید حتی بی‌تفاوتی یا تنفر را دامن زده باشیم. امام صادق علیه السلام به صحابی خویش می‌فرماید:

يَا عُمَرُ! لَا تَحْمِلُوا عَلَيَّ شَيْعَتِنَا وَازْفُقُوا بِهِمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ. (کلینی،

۱۳۶۳: ج ۸، ۳۳۴)

بنابراین والدین در امر تربیت به جای توجه به ظرفیت‌های خود، باید ظرفیت فرزندان را در نظر گرفته و فعالیت‌های تربیتی را بر آن اساس سامان دهند.

برای بر حذر بودن از تربیت تحمیلی باید فرایند تربیت، مستمر و تدریجی باشد و از شتاب‌زدگی بپرهیزیم. گاه ممکن است دانه‌ای بکاریم و مدت‌ها بعد، از میوه آن بهره‌مند

شویم. شاید شرایط دوران بلوغ و نوجوانی و جوانی اجازه ندهد تربیت اخلاقی بالفعل بروز کند؛ باید به دعا بنشینیم و منتظر ثمره آن در آینده باشیم. رسیدن به معرفت صحیح و تبدیل شدن فضایل اخلاقی به صفات انسانی راسخ نیازمند زمینه سازی و فراهم کردن بستر مناسب است. مادامی که نیازهای زیستی در حد متعادل ارضا نگردد، فرد نمی تواند به طرف تعالی اخلاقی سوق یابد. علمای اخلاق، اعتدال و ارضای قوا را امری ضروری برای پیشرفت اخلاقی دانسته اند. از این رو اگر به نظام معیشتی، ازدواج، تأمین صحیح نیازهای جسمانی و تخلیه نیروهای جوانی فرزندانمان توجه نداشته باشیم، سخن گفتن از فرزندان مهدی باور و مهدی یاور در حد شعار تنزل خواهد کرد. در امر تربیت از این امر مهم نیز نمی توان غافل شد که جریان تربیت گام به گام نباید منجر به از دست دادن فرصت ها شود. راسخ شدن صفات و فضایل نفسانی نیازمند تمرین و ممارست است و در این راستا، می توان به راهکارهایی اشاره کرد:

از بسترهای مناسب برای تقویت اخلاق، الگوسازی است؛ زیرا مهم ترین نوع یادگیری، از طریق مشاهده یا تقلید است (سیف، ۱۳۶۸: ۳۱۴). از این رو باید با در نظر گرفتن حفظ حق آزادی انسان ها با ارائه معیارها و معرفی الگوهای مطلوب زمینه گزینش آزادانه را برای فرزندان فراهم کنیم. معرفی یاران حضرت ﷺ از طریق فیلم و داستان، برپایی مجالس به نام حضرت ولی عصر ﷺ بزرگداشت اعیاد شعبانیه و روزهایی - همچون روز جمعه - که منتسب به ایشان است، مداومت در توسل به آن حضرت و ... می تواند محیط تربیتی مساعدی را برای پرورش اوصاف اخلاقی فرد منتظر در فرزندان ایجاد کند. والدین با زنده نگاه داشتن یاد و ذکر امام ﷺ دوستی و عشق خود را به آن وجود مبارک به فرزندان می آموزند؛ زیرا: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهَجَ بِذِكْرِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷: ج ۱، ۲۳۱). حفظ فرزندان در گرو خوبی ها و شایستگی ها و اعمال والدین است.

از دیگر بسترهای مناسب برای تقویت اخلاق «خودآگاهی» است. برخی روان شناسان احساس حقارت یا کهنتری را تقریباً منشأ تمام رفتارهای غیرعادی انسان می دانند (آدلر، ۱۳۷۰: ۵۹). توجه دادن انسان به شرافت و کرامت ذاتی خویش و این که او گوهری ارزشمند و بی مانند است، وی را به سوی ارزش های متعالی اخلاقی سوق می دهد. یکی از بهترین روش های تربیت اخلاقی، انجام دادن اموری است که به باور ارزشمند بودن فرزند بینجامد؛ چرا که: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ۳۶۵).

نتیجه

در این نوشتار، برآن شدیم چهار عنصر اخلاقی ورع، اجتهاد، عفت و سداد را در قلمروهای متفاوت اخلاق در خانواده بررسی کنیم. از جمله مهم‌ترین ثمره‌های این نوشتار برای نگارنده، آگاهی از مهجور بودن اخلاق مهدوی در حیطه پژوهش بود. در دهه‌های اخیر، اندیشمندان غربی به مباحث اخلاقی - به ویژه فلسفه اخلاق و مکاتب اخلاقی - توجهی جدی داشته‌اند. در پی این جریان فکری، در کشور ما نیز این موضوعات اهمیت یافته و به خصوص عرصه‌های گوناگون اخلاق کاربردی، توجه محققان را به خود جلب کرده است. پژوهشگران اسلامی با کندوکاو در متون علمای اخلاق، کوشیده‌اند ساختار نظام‌مندی برای اخلاق اسلامی بیابند. فضایل، رذایل، بایدها و نبایدهای اخلاقی به صورت پراکنده و در شکل اخلاق نقلی در منابع و کتب اخلاق اسلامی وجود دارد؛ اما استخراج و سامان دادن آن‌ها در قالب‌های منسجم و جدید به در انداختن طرحی نو نیازمند است. در این میان، مهدی‌پژوهان نیز رویکردی اخلاقی به مباحث مهدویت را در برنامه داشته‌اند.

برای غنی ساختن تحقیقات درباره تأثیر دکتترین مهدویت بر خانواده، نیازمندیم اهل فن - از حوزه و دانشگاه - روایات را از سخنان معصومان علیهم‌السلام استخراج کرده و تنظیم نمایند و اندیشمندان آن‌ها را تحلیل و تفسیر کنند تا با دقت و غور در کلمات گهربار امامان علیهم‌السلام و یافتن ارتباط میان آن‌ها و هم‌افق شدن با زمان آنان، مراد معصوم علیه‌السلام نمایان شود. در عرصه اخلاق مهدوی کار نشده بسیار است و تحقیق با دشواری‌های خاص خود روبه‌رو است. تفکیک بین اخلاق اسلامی و اخلاق زمینه‌ساز - که رابطه‌ای عام و خاص دارند - کاری بس دشوار است و در این مسیر هنوز در ابتدای راه هستیم. امیدواریم این نوشتار، گامی هرچند اندک در این راستا برداشته باشد.

منابع

- ابن عجیبه، احمد بن محمد، *تفسیر البحر المدید*، قاهره، انتشارات دکتر حسن عباس زکی، بی تا.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام اسلامی، بی تا.
- ارسطو، *سیاست*، ترجمه: حمید عنایت، تهران، انتشارات حبیبی، ۱۳۵۸ ش.
- آبوت، پاملا؛ کلر والاس، *جامعه شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ ش.
- آدلر، آلفرد، *روان شناسی فردی*، ترجمه: حسن زمانی شرفشاهی، بی جا، نشر تصویر، ۱۳۷۰ ش.
- آل غازی، ملاحویش، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ش.
- بارتلی، ویلیام، *دین و اخلاق*، ترجمه: زهرا خزاعی، پایان نامه دانشگاه قم، ۱۳۷۸ ش.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- بهشتی، محمد، «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی»، *مجله معارف*، ش ۱۰، ۱۳۸۱ ش.
- پاسنو، دایانا، *فمینیسم، راه یا بی راهه؟!؟*، ترجمه: محمدرضا مجیدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و معارف، ۱۳۸۴ ش.
- پرنر، الیزابت، «علم اخلاق زنانه نگر»، ترجمه: سوگند نوروزی زاده، *مجله ناقد*، ش ۲، ۱۳۸۳ ش.
- پورسیدآقایی، سید مسعود، *با جاری انتظار*، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.
- تانگ، رزماری، «اخلاق فمینیستی»، ترجمه: عباس یزدانی، *درفمینیسم و دانش های فمینیستی*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲ ش.
- تانن، دبورا، *مرانمی فهمی، توهم مرانمی فهمی*، ترجمه: مهدی قراچه داغی و زهره فتوحی، تهران، نشر دایره، ۱۳۸۴ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، *مبایذ اخلاق در قرآن*، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
- خسروپناه، عبدالحسین، *کلام جدید با رویکرد اسلامی*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
- داوورپناه، ابوالفضل، *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.
- دورانت، ویلیام جیمز، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه: عباس زریاب خویی، تهران، سازمان

- انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۶ ش.
- دیلمی، احمد، «اخلاق جنسی»، در *دانش‌نامه فاطمی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- دیلمی، احمد؛ مسعود آذربایجانی، *اخلاق اسلامی*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۱ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء آثار المرتضویة، ۱۴۱۲ ق.
- رامین، فرح، «اخلاق همسراری»، در *جستارهایی در اخلاق کاربردی*، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۹ ش.
- سالاری، فری، محمدرضا، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵ ش.
- سیف، علی‌اکبر، *روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)*، تهران، نشرگاه، ۱۳۶۸ ش.
- شایگان، علی، *حقوق مدنی*، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۷۵ ش.
- شبّر، عبدالله، *الاخلاق*، ترجمه: محمدرضا جباران، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۷ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: علی نقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۸ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- صفایی حائری، علی، *وارثان عاشورا*، قم، انتشارات لیلة القدر، ۱۳۸۰ ش.
- صفایی، سیدحسین؛ اسدالله امامی، *حقوق خانواده*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
- صلیبا، جمیل، *المعجم الفلسفی*، بیروت، الشركة العالمیه للكتاب، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
- طبرسی، ابی نصر الحسن بن الفضل، *مکارم الاخلاق*، ترجمه: ابراهیم میرباقری، قم، فراهانی، ۱۳۶۵ ش.
- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، قم، مكتبة الحیدریة، ۱۴۲۵ ق.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، قم، مؤسسة البعثة، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، خواجه نصیرالدین، *اخلاق ناصری*، تصحیح: مجتبی مینوی و علیرضا صدری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ش.

- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ش.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۱۳ق.
- غزالی، محمد بن محمد، احيا علوم الدين، دمشق، دار قتيبه، ۱۴۱۲ق.
- فارابی، محمد بن محمد، فصول منتزعه، ترجمه: حسن ملكشاهی، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۳ش.
- فیض كاشانی، ملامحسن، المحجة البيضاء فی تهذيب الاحياء، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۱ش.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابيع المودة، قم، دارالاسوه للطباعة و النشر، بی تا.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
- مجتهدی، سیدمرتضی، صحیفه مهديه، ترجمه: محمد حسین رحیمیان، قم، انتشارات دارالثقلین، ۱۳۸۱ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مشکینی اردبیلی، علی، ازدواج در اسلام، قم، دفتر نشر الیهادی، ۱۳۶۶ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، دروس فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۷ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ش.
- _____، نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ش.
- مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵ش.
- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات قائم آل محمد، ۱۳۸۸ش.
- نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، تهران، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۲ش.
- نقیبی، سید ابوالقاسم، «نقش وفاداری در اعتماد آفرینی و راهبردهای توسعه‌ای آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات»، فصل نامه شورایی فرهنگی اجتماعی زنان، سال سیزدهم، ش ۵۲، ۱۳۹۰ش.
- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۳۸۸ش.

۱۴۰۸ ق.

- واثقی، قاسم، *درس‌هایی از اخلاق مدیریت*، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

- همت‌بناری، علی، *مآخذشناسی تربیت اخلاقی*، قم، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲ ش.

- یزدی، اقدس، «اخلاق مادری در اسلام و فمینیسم»، در *جستارهایی در اخلاق کاربردی*، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۹ ش.

- یورگ، رابرت. اچ، *درس‌اشیب به سوی گومرا*، ترجمه: الهه هاشمی حائری، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۸ ش.

- Bedau, Hugo Adam, *Applied Ethics*, In: Beker, Lawrence C, Beker, Charlotte, B (eds), *Encyclopedia of Ethics*. New York: Routledge, 2007.
- Chodorow, Nancy, *The Reproduction of Mothering*, Berkeley: University of California Press, 1978.
- Novak, Micheal, *The Spirit of Democratic Capitalism*, New York: Simon and Schuster, 1982.
- O'neill, Onora. *Charity*. In: Beker, Lawrence. C, Beker, charlotte. B (Eds), In: *Encyclopedia of Ethics*. New York: Routledge, 2001.
- Walsh, F, *A Family Resilience Framework: Innovative Practice Applications*. Family Relations. New York: Guilford Press, 2002.